

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۱

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۰

انتظار و ظرفیت آن در اهل سنت

حسین الهی نژاد^۱

چکیده

انتظار به عنوان یک باور فراگیر، از سوی همه گروه‌های اسلامی از جمله اهل سنت پذیرفته شده است. در منابع و متون حدیثی اهل سنت، درباره انتظار، روایات مختلفی نقل شده که برخی از آن‌ها به صورت صریح به موضوع انتظار پرداخته‌اند و برخی دیگر، تلویحاً به آن اشاره کرده‌اند. تفاوت میان تصریح انتظار و تلویح انتظار در روایات انتظار، این است که اولی با رویکرد عام و دومی با رویکرد خاص، مقوله انتظار را تبیین و توجیه می‌کنند؛ یعنی در منابع حدیثی اهل سنت، به انتظار عام با دلالت منطوقی و مطابقی، و به انتظار خاص با دلالت مفهومی و تضمنی پرداخته شده است. از این رو در منابع حدیثی اهل سنت درباره تصریح انتظار اولاً، روایاتی بسیار محدود نقل شده است و ثانیاً، همین تعداد محدود نیز معطوف به انتظار عام‌اند، نه خاص. اما در منابع یادشده، درباره تلویح انتظار اولاً، روایات فراوانی مانند ممه‌دون للمهدی، رایات السود، ظهور مجددین، سید خراسانی و... نقل شده است و ثانیاً، همه این روایات با رویکرد انتظار خاص توجیه می‌شوند، نه عام.

برآیند این تحقیق با پیاده‌سازی چند هدف، تأمین می‌شود: ۱. جداسازی انتظار عام از انتظار خاص؛ ۲. تفکیک روایات انتظار با تصریح انتظار و روایات انتظار با تلویح انتظار؛ ۳. معطوف بودن روایات انتظار با تصریح انتظار با رویکرد عام؛ ۴. معطوف بودن روایات انتظار با

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (hosainelahi1212@gmail.com).

تلویح الانتظار با رویکرد خاص؛ ۵. اشاعه و برجسته سازی انتظار خاص در میان اهل سنت؛ ۶. بستر سازی و ظرفیت سازی انتظار خاص در میان اهل سنت.

واژگان کلیدی

انتظار، اهل سنت، روایات الانتظار، انتظار عام، انتظار خاص، رایات السود، دجال.

مقدمه

بر اساس رهیافت منجی گرایی، انتظار باوری است مهم و فراگیر که مورد قبول همه باورمندان ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی است. مقوله انتظار در اندیشه مهدویت نیز جایگاهی بس مهم و خطیر داشته و نقش تأثیرگذار آن در غایت بخشی و ساماندهی جامعه، نقشی بی بدیل و مهم است. بر اساس مستندات اسلامی و منابع تاریخی همه گروه های اسلامی به نحوی به مقوله انتظار، اعتقاد و التزام داشته و آن را به عنوان یک باورداشت مهم در میان معتقدات خود جای داده اند. شیعه و اهل سنت به عنوان دو گروه بزرگ اسلامی نیز به این مقوله و نقش تأثیرگذار آن اذعان داشته و در منابع حدیثی و تاریخی و منابع دیگر بدان توجه ویژه نموده است. با توجه به کلیت و فراگیری باورداشت انتظار در میان همه گروه های اسلامی و با عنایت به مقبولیت و پذیرش آن در میان همه باورمندان اسلامی، در این نوشتار مقوله انتظار را تنها با رویکرد اهل سنت دنبال نموده و با کاوش و غور در منابع حدیثی به دنبال برجسته سازی انتظار و ظرفیت سازی آن در میان اهل سنت خواهیم بود.

بی تردید انتظار در منابع اهل سنت به دو صورت تصریحی و تلویحی دنبال شده و اولی با تیتیر «تصریح الانتظار» در روایات الانتظار و دومی با تیتیر «تلویح الانتظار» در روایات الانتظار نشانه گذاری شده است. در فرض اول به دنبال یافتن روایات و احادیثی هستیم که واژه انتظار و مفاهیم همسو به صورت صریح و واضح در آن ها ذکر شده باشد و در فرض دوم، به جست و جوی روایات و احادیثی هستیم که گرچه به صورت منطوقی دلالت بر انتظار ندارد اما از طریق مفهوم و محتوا می توان به انتظار رسید. یعنی با دو رویکرد مطابقی و تضمینی به جست و جو انتظار در منابع اهل سنت پرداخته می شود. پس فرایند و برابند بحث را چنین می توان خلاصه و دسته بندی کرد:

۱. مقوله انتظار تنها در اهل سنت به بحث گذاشته می شود، نه همه گروه های اسلامی؛
۲. مقوله انتظار تنها در منابع اهل سنت به بحث گذاشته می شود، نه همه کتب و

منشورات اهل سنت؛

۳. مقوله انتظار تنها در منابع حدیثی اهل سنت به بحث گذاشته می‌شود، نه همه منابع اهل سنت؛
۴. در میان تنوعات مختلف انتظار تنها به انتظار عام و خاص و مراتب آن پرداخته می‌شود؛
۵. به طور کلی در این نوشتار انتظار با دو رویکرد تصریح الانتظار و تلویح الانتظار مقوله بندی می‌شود.

مفهوم‌شناسی واژگان

انتظار

واژه انتظار از ریشه « نظر » است که در باب افتعال به کار برده شده، از مترادف‌های معنایی آن تائی و ترقب است (اقرّب الموارد، فرهنگ بزرگ جامع نوین) و در لغت به معنای تأمل کردن، چشم داشتن، چشم براه بودن، امید داشتن و امیدوار بودن است. (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۵، ۲۱۹؛ دهخدا، ۱۳۳۴: ج ۸، ۲۹۴) آن چه باعث تمایز این واژه از مترادف‌های آن می‌شود، وجود خاصیت «مطاوعه» در معنای آن است که به طور کلی از خصوصیات باب افتعال به شمار می‌رود. «مطاوعه» به معنای تأثیرپذیری است و بدین خاطر معنای واژه انتظار برابر با «چشم به راه شدن» خواهد بود. از مطلب مذکور به این نتیجه می‌رسیم که «انتظار» حالت و وصفی است که بر شخص متأثر، یک سلسله اموری مترتب می‌شود و بین وی و آن چه منتظر آن است رابطه تأثیر و تأثر وجود دارد.

انتظار در اصطلاح چنان که انتظار با دو رویکرد عام و خاص توجیه پذیر است در معنای اصطلاحی نیز باید همین دو معنا مد نظر باشد. پس انتظار عام در اصطلاح، به معنای امید و امیدواری جهت گشایش و فراخی کار در امور زندگی است که این امور زندگی به فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود و امور اجتماعی نیز شامل همه ابعاد آن نظیر مشکلات اقتصادی، سیاسی و... می‌شود. به عبارت دیگر متعلق انتظار اصطلاحی عام، مطلق مشکلات و معضلات در همه ابعاد و رویکردهای مختلف اجتماعی و فردی است.

در برابر آن انتظار خاص قرار دارد که متعلق آن مشکلات و معضلات خاص است؛ اما انتظار خاصی که در این نوشتار در صدد تبیین و تشریح آن هستیم، انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه است. بر این اساس انتظار اصطلاحی خاص به معنای امید داشتن به تحقق ظهور و آمدن منجی آسمانی به نام امام مهدی عجل الله فرجه است؛ یعنی چشم داشتن به فرا رسیدن روز موعود که موعود

جهانی با آمدنش زمین و زمینیان را خوش بخت کند و بستر زندگی انسانی را برای انسان‌ها فراهم نماید. به بیان دیگر انتظار فرج به معنای تهیو و ترقب (حرانی، ۱۳۶۳: ۱۰۶) یا به معنای آمادگی روحی و عملی برای ظهور امام زمان علیه السلام برای یاری رساندن به آن حضرت است که در این خصوص باید از کارهایی که با این عمل منافات دارد دوری کرد (خوبی، ۱۴۱۳: ج ۵، ۳۱۹). از مجموع تعاریف و مفهوم‌شناسی اصطلاحی یادشده به این تحلیل می‌رسیم: انتظار خاص - که همان انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام است - سه عنصر اساسی همچون عدم رضایت از وضعیت موجود، امیدواری نسبت به آینده مطلوب و حرکت به سوی وضعیت مطلوب دارد که با این عناصر سه‌گانه انتظار خاص مورد بازشناسی و بازخوانی قرار می‌گیرد. تحلیل عناصر سه‌گانه انتظار، بیشتر به ماهیت وجودی انسان و بعد روانی او بازمی‌گردد؛ زیرا انسان با رویکرد روانی وقتی که در جامعه با فقدان رهبر و مقتدا روبه‌رو می‌شود، دچار مشکلات فراوانی اعم از فردی و اجتماعی، و مادی و معنوی، و دینی و اعتقادی می‌گردد که این مشکلات و معضلات در واقع بستر نارضایتی او را نسبت به وضعیت موجود فراهم می‌کند و نیز از طرفی به سبب ماهیت شناختی انسان، انسان موجودی دارای شاخصه‌های فطری همچون کمال‌خواهی، شایسته‌طلبی و نجات‌بخشی است. بر اساس این شاخصه‌های فطری اولاً انسان نسبت به آینده مطلوب امیدوار است و ثانیاً با عزم راسخ و همراه با حرکت قوی به سوی آینده‌ای ایده‌آل سوق پیدا می‌کند. بی‌تردید این عناصر سه‌گانه و مبنای تحلیلی آن‌ها همگی به نوعی تداعی‌گر انتظار خاص و واقعی به شمار می‌روند.

انتظار عام

انتظار عام، انتظاری است کلی و مطلق که شامل امید به گشایش هر نوع سختی و مشکلاتی می‌شود و به تعبیر دیگر، انتظار عام، انتظاری است که متعلق آن عام و مطلق بوده و به معنای امید و امیدواری نسبت به هر نوع مشکل و معضلی، اعم از مادی و معنوی، دنیایی و آخرتی، فردی و اجتماعی و... است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در پاسخ به پرسش‌های سائلی می‌فرماید:

فَأَيُّ الْمَصَائِبِ أَشَدُّ قَالَ الْمُصِيبَةُ بِالدِّينِ قَالَ فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ
 أَنْتِظَرُ الْفَرَجَ قَالَ فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ أَحْوَفُهُمْ لِلَّهِ وَأَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى وَ
 أَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا؛ (صدوق، ۱۴۰۰: ۳۹۵؛ قضاعی، بی‌تا: ۱۰۳)

کدام مصیبت سخت‌تر است؟ فرمود: مصیبت در دین. پرسید: کدام عمل پیش خدا محبوب‌تر است؟ فرمود: انتظار فرج. گفت: کدام مردم نزد خدا بهترند؟ فرمود: ترس‌اتر

و با تقواترشان و زاهدترشان در دنیا.

رسول گرامی اسلام ﷺ نیز می فرماید:

أفضل العبادة انتظار الفرج. (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۱، ۱۴۷؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۹۲)

علاوه بر روایات، در قرآن نظیر آیه **﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾** (انشراح: ۶) نیز به انتظار فرج با رویکرد عام اشارت شده است.

موارد فوق تنها به عنوان شاهد مثال ذکر شده که البته موارد بیشتر، و تبیین و تحلیل آن‌ها در ادامه نوشتار به صورت مفصل خواهد آمد.

ابن قیم جوزی در کتاب *مدارج السالکین* پیرامون معنای اصطلاحی انتظار عام می نویسد:

انْتَظَارُ رُوحِ الْفَرَجِ يَعْنِي رَاحَتَهُ وَنَسِيمَهُ وَلَذَّتَهُ. فَإِنَّ انْتِظَارَهُ وَمُطَالَعَتَهُ وَتَرْقُبَهُ يُخَفِّفُ حَمْلَ الْمَشَقَّةِ. وَلَا سِيَّمَا عِنْدَ قُوَّةِ الرَّجَاءِ. أَوِ الْقَطْعِ بِالْفَرَجِ. فَإِنَّهُ يَجِدُ فِي حَسْوِ الْبَلَاءِ مِنْ رُوحِ الْفَرَجِ وَنَسِيمِهِ وَرَاحَتِهِ: مَا هُوَ مِنْ حَيْثُ الْأَلْطَافِ، وَمَا هُوَ فَرَجٌ مُعْجَلٌ؛ (ابن قیم، ۱۴۱۶: ج ۲، ۱۶۶)

انتظار روح فرج است؛ یعنی ملایمت و لذت بخشی و راحتی فرج در ارتباط با انتظار حاصل می شود. پس انتظار و ترقب فرج، تخفیف سختی انتظار را به همراه دارد، بالأخص زمانی که انسان در اوج امیدواری و قطعیت امیدواری است. پس به راستی انسان در میان بلا - که بهره مند از روح فرج و ملایمت و راحتی آن است - این از الطاف خفی و گشایش تعجیل یافته است.

انتظار خاص

انتظار خاص یا مقید، انتظاری است که تعلق و تقید به امر یا امور خاصی داشته و به طور نسبی گشایش و امید را در دایره محدود دنبال می نماید. آری، یک بار انتظار عام مطرح است که متعلق آن محدود به امر یا امور خاصی نبوده و شاخصه مهم آن عدم تقید و عدم تحدید از نظر متعلق است و بار دیگر انتظار خاص مطرح است که این نوع انتظار در برابر انتظار عام قرار داشته و از نظر متعلق، تقید و محدودیت دارد. البته محدودیت و تقید انتظار خاص نسبی است؛ یعنی گاه متعلق آن یک امر است، مثل ظهور امام زمان عجل الله فرجه و گاهی چندین امر تحت یک عنوان کلی، مثل انتظار گشایش در امور مادی و یا معنوی، و یا انتظار فرج در امور دنیایی و یا آخرتی از این قبیل امور که در واقع عمومیت دارند، ولی نسبت به انتظار مطلق به صورت نسبی، خاص و محدودند. انتظار خاصی که در این نوشتار به دنبال تبیین و تحلیل آنیم و با برجسته سازی در صدد ظرفیت سازی آن در جوامع اهل سنت هستیم، انتظار ظهور امام

مهدی عليه السلام است.

روایات انتظار در منابع اهل سنت

منابع حدیثی اهل سنت دارای روایات مختلفی از پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه‌اند. در این روایات - که تعدادشان بی‌شمار است - موضوعات متنوعی به بحث گذاشته شده که از جمله آن‌ها می‌توان به بحث انتظار اشاره کرد. البته تعداد این نوع روایات نسبت به روایات دیگر بسیار محدود است. روایات انتظار در منابع حدیثی اهل سنت با دو رویکرد منطوقی و مفهومی قابل پی‌گیری و توجیه‌اند. در رویکرد منطوقی مقصود کاربرست خود واژه انتظار در روایات است؛ یعنی به روایاتی پرداخته می‌شود که در آن واژه انتظار و واژگان همسو صریحاً به کار رفته باشد. در رویکرد مفهومی به محتوا و مضمون روایات توجه می‌شود؛ یعنی به روایاتی پرداخته می‌شود که به ظاهر و به دلالت منطوقی هیچ اشاره‌ای به انتظار ندارد، ولی از نظر مفهوم دلالت بر انتظار داشته و جزو روایات انتظار به شمار می‌رود. از این رو تحقیق پیش رو با دو رویکرد تصریح انتظار و تلویح انتظار در منابع حدیثی اهل سنت پی‌گرفته می‌شود.

تصریح انتظار در روایات انتظار

در منابع حدیثی اهل سنت اعم از صحیحین، مسانید، جوامع، اطراف و منابع دیگر، روایاتی که با واژه انتظار نقل شده است بسیار محدود بوده و از نظر شمارش به عدد چهار و در یک نگاه دقیق‌تر به عدد دو می‌رسد؛ یعنی در کل منابع حدیثی اهل سنت که هر کدام دارای روایات انبوه و بی‌شماری هستند روایات انتظار با واژه انتظار و مفاهیم همسو دو عدد است که البته این دو روایت نیز دلالت بر انتظار خاص ندارند، بلکه به معنای انتظار عام است؛ یعنی امیدوار بودن برای رفع مشکلات و سختی‌های دنیا و صبر در برابر آن.

روایت اول؛ رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

سلوا الله من فضله فان الله يحب أن يسأل وافضل العبادۃ انتظار الفرج. (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۲۲۶)

این روایت را محدثان و مؤلفان فراوانی از اهل سنت در کتاب‌های خویش آورده‌اند. البته در منابع حدیثی شیعه (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷) نیز به صورت تقطیع (افضل العبادۃ انتظار الفرج) نقل شده است. در منابع اهل سنت اولین منبعی که به این روایت پرداخته سنن ترمذی است (همو) و بعد از آن در کتاب *مسند الشهاب* (قضاعی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۲۴۵)، *الدعاء* (طبرانی، ۱۴۱۳: ۲۹)، *مجمع الزوائد* (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۱۴۷)، *جامع الصغیر* (سیوطی، ۱۴۰۱: ج ۳، ۲۷۵)

و... نیز آمده است. این روایت در دو کتاب *مسند قضاعی* (۱۴۰۵: ج ۴، ۴۳۶) و *شعب بیهقی* (۱۴۱۰: ج ۷، ۲۰۴) به صورت تقطیع (افضل العبادة انتظار الفرج) ذکر شده است. روایت دوم؛ رسول گرامی اسلام ﷺ درباره انتظار و رابطه آن با صبر می فرماید:

انْتَظِرُ الْفَرْجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ. (قضاعی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۶۲)

در واقع نقل این روایت در منابع اهل سنت برای اولین بار از کتاب *مسند الشهاب قضاعی* (همو) است و نیز در کتاب های دیگر حدیثی نظیر *شعب الایمان* (بیهقی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۹۴)، *جامع الصغیر* (سیوطی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۴۱۷) *میزان الاعتدال* (ذهبی، بی تا: ج ۳، ۲۵۶)، *کنز العمال* (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۷۲) و... نیز نقل شده است.

روایت سوم و چهارم؛ پیامبر گرامی اسلام در دو روایت دیگر می فرماید:

انْتَظِرُ الْفَرْجَ مِنَ اللَّهِ عِبَادَةَ. (بیهقی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۰۵)

انْتَظِرُ الْفَرْجَ عِبَادَةَ. (جرجانی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۶)

به نظر می آید سه روایت اخیر که با تفاوت های اندکی از رسول گرامی اسلام ﷺ در منابع مختلف اهل سنت نقل شده است. همگی از نظر سبک و سیاق به یک روایت بازگردند. بر این اساس می توان گفت که روایات موجود پیرامون انتظار در منابع حدیثی اهل سنت بسیار محدود بوده و از عدد دو تجاوز نمی کند. البته در کتاب *الفرج بعد الشدة* به تألیف التتوخی که به احتمال زیاد از مؤلفان اهل سنت در قرن چهارم قمری است، روایت مرفوعی در این خصوص از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده که حضرت می فرماید:

أفضل ما يعمله الممتحن انتظار الفرج. (تتوخی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۴۶)

نکته قابل توجه این که این روایات تنها از یک منبع به نام کتاب *الفرج بعد الشدة* نقل شده و در هیچ منبع دیگری اعم از شیعه و اهل سنت نیامده و هیچ گونه توجه ای از سوی علما و مؤلفان شیعه و اهل سنت بدان نشده است. بر این اساس نمی توان این روایت را جزو خانواده روایات الانتظار به شمار آورد و به عنوان یکی از روایات انتظار در دایره روایات چهارگانه انتظار قرار داد. حال باید دید با توجه به محدود بودن روایات انتظار از نظر تعداد و کثیر بودن آن از نظر نقل و منابع نقلی، از نظر جایگاه، صدور و کاربرد و رویکرد چگونه توجیه و تفسیر می شوند.

پیش از پرداختن به رویکرد، کاربرد، جایگاه و صدور روایت انتظار، به نکات چهارگانه ای اشاره می شود:

۱. روایات چهارگانه انتظار، همگی منقول از رسول گرامی اسلام ﷺ است.
 ۲. قالب منابع حدیثی اهل سنت بدون تحلیل و تبیین تنها به نقل روایات چهارگانه انتظار پرداخته‌اند.

۳. در دو کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری هیچ ذکری از این چهار روایت به میان نیامده است.

۴. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان چهار روایت فوق را به دو روایت تقلیل داد. بی‌تردید روایات چهارگانه انتظار که در قالب دو روایت تجمیع می‌شوند، از نظر صدور نه دارای پرسش‌های خاصی است که دامنه مفهومی انتظار را محدود کند و نه دارای واژگان و جملات خاصی است که انتظار عام را به سوی انتظار خاص سوق دهد. همچنین نه دارای کاربرد و جایگاه خاصی است که تداعی‌گر برداشت خاص از ناحیه علمای اهل سنت است. مثلاً در مورد روایت اول (سلوا الله من فضله فان الله يحب ان یسأل و افضل العبادۃ انتظار الفرج) که در منابع بی‌شماری از تألیفات علمای اهل سنت آمده است، در برخی از این منابع تنها به صرف نقل اکتفا شده و هیچ‌گونه توضیحی حتی به صورت کوتاه و مجمل نیز داده نشده است (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۲۶۶)؛ ولی در برخی از کتاب‌های حدیثی نظیر عمده القاری، شعب الایمان، کنز العمال و... در ذیل باب دعا و استجاب دعا و آداب دعا این روایت ذکر گردیده است. همین روایت در کتاب‌های تفسیری اهل سنت غالباً در ذیل آیه «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً» (نساء: ۳۲) نقل شده است.

تقریباً بیشتر مفسران اهل سنت (ابن‌کثیر، ۱۴۱۲: ج ۱، ۵۰۰؛ سیوطی، بی‌تا: ج ۲، ۱۴۹) در ضمن بیان تفسیر آیه - که به هر کدام از مردان و زنان جایگاه خاصی داده شده که باید به این جایگاه واقف بوده و آرزوی جایگاه دیگری را نداشته باشند - به این روایت اشاره کرده و به نحوی آن را جزو روایت تفسیرگر این آیه قلمداد نموده‌اند. نگرشی که آنان به این روایت انتظار دارند نگرش عام است و جایگاه و کاربردی که برای این روایت در نظر گرفته‌اند نیز عام به شمار می‌آید. از این رو محدثان و مفسران اهل سنت نسبت به روایت مورد نظر نه توجیه صدور خاص و نه کاربرد خاص دارند. بر این اساس از این روایت انتظار عام برداشت می‌شود نه انتظار خاص.

اما سه روایت اخیر که به نوعی به یک روایت بازمی‌گردد در بیش از بیست منبع از منابع حدیثی اهل سنت آمده است که اولین منبع از نظر تاریخی مسند الشهاب (قضاعی، ۱۴۰۵: ج ۱)،

۶۲) است. قضای بدون هیچ گونه توضیح و تبیینی و بدون هیچ گونه بیان توجیه صدوری و کاربرد خاصی آن‌ها را نقل نموده و آن را تحت عنوان «انتظار الفرج بالصبر عبادة» تبویب بندی کرده است. در کتاب *شعب الایمان* (بیهقی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۰۴)، این روایت سه گانه به صورت یک جا در فصلی مستقل تجمیع شده و در همین فصل روایات دیگری با مضامین مشکلات و شداید دنیا و چگونگی خلاصی از آن نیز آمده است که آمدن این روایات خود قرینه است بر این که منظور مؤلف از روایات انتظار، انتظار عام است که مربوط به مشکلات و معضلات دنیایی و چگونگی گشایش از آن است. قرینه دیگری که در این جا وجود دارد و دلیل است بر انتظار عام، باب بندی است که در این کتاب تحت عنوان «فی ذکر ما فی الایمان و الامراض و المصیبات» به کار رفته است. همین فرایند در کتاب *الجامع الصغیر* (سیوطی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۴۱۷) نیز طی شده است؛ ولی در این کتاب، روایات «انتظار الفرج من الله عبادة» با اضافاتی مثل «و من رضی بالقلیل من الرزق رضی الله تعالی منه بالقلیل من العمل» نقل شده است که این اضافات، خود قرینه است بر این که منظور از انتظار در این جا انتظار عام است. اما در کتاب *فیض القدیر* (مناوی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۶۷) از المناوی که جزو علمای معاصر اهل سنت است، روایات سه گانه به طور یک جا نقل شده و مؤلف قریب به دو صفحه درباره آن‌ها توضیح داده است؛ ولی توضیحات و بیانات ایشان همان نگرش و برداشتی است که علمای سلف اهل سنت درباره روایات انتظار داشته اند و همان کاربرد عامی است که آن‌ها به کار برده اند.

بنابراین نتیجه ای که از مطالب بالا می توان گرفت این است که در منابع اهل سنت اولاً؛ روایات انتظار از نظر تعداد بسیار محدود است. ثانیاً؛ همین تعداد قلیل دارای نقل کثیر است. ثالثاً؛ توجیه صدوری خاص و واژگان خاص که در منابع حدیثی شیعه مطرح بود در این جا وجود ندارد. رابعاً؛ روایات انتظار اصلاً در کاربرد خاص به کار برده نشده است. از این رو نمی توان روایات انتظاری که در منابع اهل سنت آمده را به سوی انتظار خاص سوق داده و انتظار مورد نظر که همان انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام است را از آن برداشت نمود.

تلویح الانتظار در روایات الانتظار

گرچه در منابع حدیثی اهل سنت روایات الانتظار با همراهی واژه انتظار و مفاهیم همسو که دلالت بر انتظار خاص داشته باشد، نقل نشده اند، ولی روایات دیگری را می توان در این راستا نشانه گذاری کرد که به نوعی همسو با روایات انتظار خاص (یعنی انتظار ظهور امام مهدی) تعریف می شوند. بر ایندی که بر این کار مترتب است اولاً؛ با رویکرد توصیفی می توان روایات

الانتظار در منابع اهل سنت را رصد و گزارش کرده و آن‌ها را مقوله‌بندی نمود. ثانیاً؛ با طرح این نوع روایات و برجسته‌سازی آن‌ها به ظرفیت‌سازی انتظار در جامعه اهل سنت همت گماشت. در بیان ظرفیت‌سازی انتظار در میان جامعه اهل سنت با استناد به روایات انتظار، ابتدا لازم است به واژه انتظار از نظر مفهوم و گستره بازشناسی شود. بدین‌گونه که انتظار دو مطلب، یعنی مفهوم‌شناسی انتظار و گستره‌شناسی انتظار خوب تبیین شود تا نظریه وجود ظرفیت‌های روایات انتظار در میان اهل سنت به اثبات برسد.

مقوله انتظار از نظر گستره و تنوع به انواعی نظیر انتظار روحی، قلبی، قولی و عملی تقسیم می‌شود. همه این تنوعات به نوعی بیان‌گر ذومراتب بودن انتظار و درجه‌مند بودن آن را ثابت می‌نماید. گفتنی است همه این موارد به نحوی جزو مصادیق و افراد انتظار بوده و خطاب انتظار به آن‌ها خطاب درستی است. اما تفاوت در مرتبه و درجه آن‌هاست که پایین‌ترین نوع انتظار، انتظار روحی و عالی‌ترین نوع انتظار، انتظار عملی است. از این‌رو مقوله انتظار از نظر اقسام به تنوعات مختلفی تقسیم می‌شود که باید دید روایات انتظار و ظرفیت‌سازی آن‌ها در میان اهل سنت با کدام یک از مراتب انتظار هماهنگ است؟ آیا می‌توان ادعا کرد که اهل سنت بر اساس روایات انتظار و ظرفیت‌سازی آن‌ها به انتظار عالی که همان انتظار عملی است پای بند و ملتزم است؟

اما در بیان مفهوم‌شناسی انتظار گفته می‌شود که مقوله انتظار از نظر چیستی و ماهیت دارای دو رویکرد سلبی و ایجابی است. رویکرد سلبی که به معنای عدم رضایت از وضعیت موجود است در واقع توجیه‌گر مبارزه با ظلم و ستمی است که توسط ظالمان و ستمگران بر مردم روا داشته می‌شود. رویکرد ایجابی که همان نگرش مثبت به آینده همراه با رخداد ظهور و تأسیس جامعه ایده‌آل منجی است توجیه‌کننده عزم و حرکت مردم برای رسیدن به جامعه مطلوب مهدی علیه السلام است. پس با رویکرد ایجابی همراهی مردم با خوبان و رویکرد سلبی مبارزه مردم با ظالمان و ستمگران توجیه می‌شود. با همین نگاه سلبی و ایجابی - که درون‌مایه انتظار است - ظرفیت‌سازی انتظار در جامعه اهل سنت رقم می‌خورد. در رویکرد ایجابی حرکت‌ها، نهضت‌ها، فعالیت‌های اهل سنت در قالب زمینه‌سازی ظهور تبیین می‌شود و در رویکرد سلبی موانع، فقدان‌ها و چالش‌هایی که اهل سنت در راه رسیدن به ظهور منجی با آن روبه‌رو است بیان می‌گردد. پس بیان این دو مؤلفه در میان اهل سنت که از روایات انتظار برداشت می‌شود، همان انتظاری است که لازم است همه مسلمانان بدان التزام و اعتقاد داشته باشند. از این‌رو دو فرض در ذیل مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گیرد تا ظرفیت‌های موجود در میان اهل سنت

خوب بر ملا شود؛ فراض اول، حرکت‌های انقلابی قبل از ظهور و لزوم همراهی کردن مردم با آنان. دوم، تلاش و کوشش مردم برای از بین بردن موانع نظیر دجال و شرارت‌ها. پس نکات مهم در این جا این که انتظاری که از روایات الانتظار اهل سنت برداشت می‌شود: اولاً، انتظار عالی، یعنی انتظار عملی است؛ ثانیاً، هر دو رویکرد انتظار، یعنی سلبی و ایجابی قابل برداشت است. بی‌تردید با این نکات می‌توان به ظرفیت‌های موجود در میان اهل سنت پیرامون انتظار پرداخت.

انقلابیون مشرق و الزام همراهی اهل سنت با آنان

از جمله حوادث و رخداد‌های قبل از ظهور، انقلاب و حرکتی است که از جانب مردم مشرق زمین در قالب رایات السود رقم می‌خورد. درباره قیام رایات سود روایات بسیاری با واژگان مختلفی در منابع اهل سنت آمده است؛ همچون قیام اهل خراسان (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۵۸۸)، قیام اهل الفرس (همو: ج ۱۲، ۹۰)، قیام اهل طالقان (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۵، ۲۷۷) و... که بر اساس داده‌های روایی هدف و نگاه این حرکت و انقلاب که به رایاد السود شهرت دارد، رسیدن به انقلاب جهانی مهدی عجل الله فرجه و زمینه‌سازی برای رخداد ظهور است. روایات رایات السود علاوه بر این که در منابع حدیثی دست اول اهل سنت آمده‌اند، در کتاب‌های مختلفی که بعداً در میان اهل سنت به رشته تحریر درآمده نیز بارها تکرار شده‌اند. پیامبر گرامی اسلام ص در این باره می‌فرماید:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيداً وَ تَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَيُقَاتِلُونَ وَيُنْصَرُونَ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ؛

ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا ترجیح داده، بعد از این اهل بیتم مصیبت‌ها می‌بینند و از وطن آواره می‌گردند، تا آن گاه که مردمی که از جانب مشرق با پرچم‌های سیاه به طلب حق قیام کنند. این حق را بآن‌ها نمی‌دهند تا جنگ کنند و پیروزی یابند و حق را بگیرند و آن را به مردی از اهل بیت من به سپارند که دنیا را پراز عدل کند، چونان که از ظلم پیر باشد. هر کس آن زمان را درک کند به آن‌ها بپیوندد، اگر چه برفتن از روی برف باشد.

سنن ابن‌ماجه اولین منبعی به شمار می‌آید که به این روایت پرداخته است (ابن‌ماجه، ۱۴۰۹: ج ۲، ۱۳۶۶). سپس در کتاب‌هایی نظیر مسند ابن‌ابی‌شیبہ (ابن‌ابی‌شیبہ، ۱۴۰۹: ج ۸، ۶۹۷) و

معجم طبرانی (۱۴۱۵: ج ۶، ۲۹) و... نیز نقل شده است.

روایت فوق با اندکی تفاوت در منابع حدیثی اهل سنت اعم از منابع مهم و دست اول و دیگر منابع حدیثی اهل سنت بارها نقل شده است. این روایت و امثال آن دارای نکات مهمی هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. رخداد انقلاب از سوی مردم مشرق زمین بوده و خاستگاه انقلاب نیز از آن جاست.
۲. این انقلاب با شاخصه‌هایی نظیر پرچم‌های سیاه همراهی می‌شود.
۳. صاحبان این انقلاب به دنبال حق و حقیقت هستند.
۴. آنان مبارزو و مجاهدند.
۵. صاحبان این انقلاب شجاع و مقاوم‌اند.
۶. آنان به هدف خود ایمان دارند.
۷. هدف این نهضت و انقلاب رسیدن به ظهور و دولت مهدی علیه السلام است.
۸. وظیفه مردم (اهل سنت) همراهی با این انقلاب، حتی در شرایط سخت (سینه خیز رفتن روی برف) است.

پیام‌ها و نکات مهم این روایت به صورت عددی شمارش گزارش شد، اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان روایت فوق و نکات برداشت شده آن را به صورت خلاصه در قالب دو بحث، یعنی «چیستی انتظار» و «رسالت منتظران» جمع‌بندی نمود؛ زیرا نکته اول تا هفتم هر کدام به نحوی اشاره‌گر شاخصه‌های انتظار عالی (انتظار عملی) است و نکته آخر که نکته هشتم باشد به رسالت و وظیفه منتظران نسبت به انتظار و حرکت‌های انقلابی پرداخته و با بیان همراهی در شرایط سخت (وَلَوْ حَبْوًا عَلَى التَّلَجِّ)، الزام و حتمیت آن را خواستار شده است. پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِمَهْدِيٍّ يَغْنِي سُلْطَانَهُ؛

مردمی از جانب مشرق قیام نمایند و سلطنت را برای مهدی آماده می‌سازند.

روایت بالا برای اولین بار از منابع حدیثی اهل سنت، یعنی سنن ابن ماجه نقل شده است (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۱۳۶۸) و دیگر منابع حدیثی اعم از شیعه و اهل سنت از آن نقل می‌کنند. شافعی در کتاب بیان الشافعی این روایت را از سنن ابن ماجه نقل کرده و بعد از توثیق راویان، روایت را صحیح می‌داند. قندرزی نیز این روایت را در عقد الدرر از کتاب ابن ماجه با اختلاف واژه «اناس» نقل می‌کند (مقدسی، ۱۳۹۱: ۱۲۵) و دیگر منابع حدیثی نظیر المعجم الاوسط (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۹۴)، الصواعق المحرقة (هیثمی، ۱۳۸۵: ۱۶۸)، کنز العمال (متقی هندی، ۱۴۰۹:

ج ۱۴، ۲۶۳) و... همگی از سنن ابن ماجه این روایت را نقل کرده‌اند. اما در منابع حدیثی شیعه، تنها چند منبع به نقل این روایت از ابن ماجه پرداخته‌اند؛ نظیر شرح الاخبار (مغربی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۵۶۳)، بحار الانوار (مجلسی، بی تا: ج ۵۱، ۸۷) و کشف الغمه (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۷).

سیوطی در شرح سنن ابن ماجه درباره واژه یوطئون می نویسد:

یهدون المهدی خالفته ویؤیدونه وینصرونه؛ (سیوطی، بی تا: ج ۱، ۳۰۰)

آماده کردن زمینه برای دولت مهدی علیه السلام و همراهی و یاری کردن او.

قسمت اول که «یهدون» باشد، یعنی زمینه سازی ظهور که این کار در واقع بر عهده منتظران است و قسمت دوم که «یؤیدونه وینصرونه» باشد، به معنای یاری و همراهی بوده که این کار در واقع بر عهده یاران و اصحاب امام مهدی علیه السلام است.

باز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

إذا رأیتم الرایات السود قد جاءت من قبل خراسان؛ فأتوها؛ فإن فیها خلیفة الله. (ابن حنبل، بی تا: ج ۵، ۲۷۷)

در کتاب *مرقاة المفاتیح* درباره تبیین روایت چند نکته بیان شده است: ۱. خطاب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله عمومیت دارد و شامل حال همه مسلمانان می شود؛ ۲. واژه السود شاید به معنای سیاهی لشکر به خاطر کثرت جمعیتی که در این لشکر هستند باشد؛ ۳. واژه فاتوه، یعنی به استقبال لشکر آمدن و اطاعت کردن از فرمانده آن است؛ ۴. فإن فیها خلیفة الله، یعنی این لشکر تابع مهدی علیه السلام و در مسیر نصرت و اجابت اویند (هروی قاری، ۱۴۲۲: ج ۸، ۳۴۴۷).

بی تردید وقتی که دو روایت اخیر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را در کنار یکدیگر قرار دهیم و آن‌ها را به صورت یک جا بازشناسی کنیم، پیام و مضامینی که از آن‌ها برداشت می شود، دقیقاً همان پیام و مضامینی است که از انتظار خاص، آن هم از نوع انتظار عالی (انتظار عملی) برداشت می شود. پس با رویکرد تطبیقی شاخصه‌هایی که درباره انتظار خاص و عالی (عملی) قابل احصاست در این دو روایت نیز بدان توجه شده است. برای مثال:

۱. هدف بودن ظهور: اولین شاخصه انتظار خاص و عالی این است که ظهور هدف و غایت آن تلقی می شود.

۲. راهبرد تلاش و کوشش: از جمله شاخصه‌های مهم انتظار عالی تلاش و کوشش بی وقفه است که منتظران برای رسیدن به هدف، یعنی ظهور از خود بروز می دهند.

۳. تهیوء آمادگی کامل: کاربست آمادگی که در واقع شرط رخداد ظهور است از جمله شاخصه‌های مهم انتظار عالی است. بی تردید شاخصه‌های نامبرده که معطوف به انتظار

خاص و عالی است، به نحوی در روایات الانتظار به صورت تلویحی ذکر گردیده است. از این رو می‌توان ادعا کرد که اهل سنت با توجه به روایات مورد نظر که بیانگر شاخصه‌های انتظار خاص و عالی هستند به صورت عملی، التزام به انتظار خاص و عالی دارند.

دجال و الزام مبارزه اهل سنت با آن

بی تردید انتظار با رویکرد سلبی، یعنی مقابله با ظلم و ستم و مبارزه با ظالمان و ستمگران همان‌هایی که با روا داشتن ظلم و ستم بر مردم و جامعه برای رخداد ظهور مانعیت ایجاد می‌نمایند. در این میان دجال به عنوان سرآمد ظالمان و ستمگران شهره بوده و در طول تاریخ، انبیای الهی علیهم‌السلام پیروان و باورمندان خویش را نسبت به شرارت و فتنه‌گری او هشدار داده‌اند. حال این سنبل فساد و ضلالت فرد باشد یا یک جریان فکری و اجتماعی، در هر صورت منتظران در برابر آن وظیفه‌ای جز مبارزه و مقابله ندارند.

گفتنی است خاستگاه و موطن رخداد قیام دجال در آخرزمان، یعنی در هنگامه ظهور امام مهدی علیه‌السلام بوده و در این مواجهه است که نماد شرارت به نمایندگی دجال و نماد خوبی‌ها به نمایندگی امام مهدی علیه‌السلام رو در روی هم قرار می‌گیرند و آخرین تدافع حق و باطل را در فرجامین تاریخ بشر رقم می‌زنند. پس بر اساس اقتضائات زمانی و الزامات اجتماعی وقت خروج دجال در دوران آخرزمان، یعنی دوران آخرین دین و آخرین پیامبر که اسلام باشد تعیین شده است. از این رو مواجهه اسلام و مسلمانان با دجال بیشتر است و آن‌ها نسبت به ادیان دیگر و پیروانشان بیشتر در معرض تهدیدات و شرارت‌های او قرار دارند. بر این اساس روایات و احادیث گوناگونی در منابع حدیثی مسلمانان بالاخص منابع حدیثی اهل سنت به این امر اختصاص یافته و خطرات و تهدیدهایی که از ناحیه دجال متوجه مردم است بیشتر مورد گوشزد قرار گرفته است. همچنین در همین روایات و احادیث راهکارهایی برای مبارزه و مقابله با دجال پیشنهاد شده است که هر مسلمانی وظیفه دارد به عنوان یک فرد منتظر و معتقد به امام مهدی علیه‌السلام، با شناخت و کاربرست آن‌ها در مسیر صحیح مبارزه با دجال قرار گیرد و زمینه‌ساز ظهور و آمدن امام مهدی علیه‌السلام باشد.

اما راهکارهای سه‌گانه‌ای که از مجموع روایات دجال در منابع اهل سنت برداشت می‌شود، نظیر اعتصام، ابتعاد و استعاذه است که اهل سنت بدان اعتقاد و التزام دارند. یعنی اهل سنت باور دارند که راه رسیدن به ظهور امام مهدی علیه‌السلام مقابله با دجال است و راه مقابله با دجال با روش سه‌گانه اعتصام، ابتعاد و استعاذه است. «اعتصام» یعنی چنگ زدن به ابزاری نظیر

عبادت، بندگی و معنویت که در واقع با این اعتصام، اولاً قوای درونی و باطنی انسان متعالی و تقویت شده و ثانیاً با این تعالی و تقویت روح و قوای باطنی به نوعی در انسان مصونیت و عصمت از فتنه‌های دجال ایجاد می‌شود. «استعاذه» یعنی پناهندگی و پناهنده شدن که نتیجه این پناهندگی همان حمایت و بیمه شدن است. بنابر توصیه روایاتی که خواهد آمد مردم وظیفه دارند در زمان خروج دجال به خدا پناه ببرند و برای مصونیت از شرارت‌های او به مکان‌های مقدسی نظیر مکه و مدینه روی آورند. «ابتعاد» به معنای دورگزینی و اجتناب‌ورزی از شرارت‌های دجال است؛ یعنی اگر انسان کمتر مجهز به سلاح‌های معنوی است و یا با وجود مجهز بودن باز بیمناک و ترسناک از گزندگی و ضرر رساندن اوست، باید شیوه ابتعاد را پیشه کند و کمتر خویشتن را در معرض و مواجهه با دجال قرار دهد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در وصف الحال دجال و فراگیری و شدت فتنه او می‌فرماید:

مَا كَانَتْ فِتْنَةٌ وَلَا تَكُونُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَكْبَرُ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ؛ (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ۲۹۲)

هیچ فتنه‌ای در زمان حاضر تا قیامت بزرگ‌تر از فتنه دجال نیست.

از جمله کارهای پیامبر گرامی اسلام ﷺ این بوده که همیشه بعد از نماز به خدا پناه می‌برد از شر دجال و به اصحاب خویش نیز این استعاذه را تعلیم می‌داد که همیشه به خدا پناه ببرند:

كَانَ يُعَلِّمُهُمْ هَذَا الدُّعَاءَ كَمَا يُعَلِّمُهُمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَخْيَا وَالْمَمَاتِ. (ابن خزیمه، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۵۷؛ نسائی، ۱۴۰۶: ج ۸، ۲۵۷)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ همواره به اصحاب خویش این دعا را می‌آموخت؛ همچنان که قرائت سوره قرآن را تعلیم می‌داد که خدایا! به تو پناه می‌برم از عذاب جهنم و به تو پناه می‌برم از عذاب قبر و به تو پناه می‌برم از شرارت دجال و به تو پناه می‌برم از فتنه در زندگی و مرگ. آری، پیامبر گرامی اسلام ﷺ به مسلمانان برای استعاذه و پناهندگی از شرارت‌ها و فتنه‌گری‌های شیران از جمله دجال دو توصیه می‌نماید؛ توصیه اول اعتقادی است که همان پناه بردن به خدا از همه شیران همچون شیطان، دجال، جنیان بد و انسان‌های بد. توصیه دوم غیر اعتقادی است؛ نظیر پناه بردن به مکان‌های امن نظیر مکه و مدینه تا از ضرر و آسیب دجال مصونیت داشته باشند؛ چنان که حضرت در این باره می‌فرماید:

نَعَمَتِ الْأَرْضِ الْمَدِينَةُ إِذَا حَرَجَ الدَّجَالُ؛ (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ۲۹۲)
در زمان خروج دجال بهترین سرزمین، مدینه الرسول ﷺ است.

يَجِيءُ الدَّجَالَ فَيَطَأُ الْأَرْضَ الْأَمَكَةَ وَالْمَدِينَةَ؛ (همو: ج ۲۰، ۲۹۸)
 فتنه دجال به جز دو شهر مکه و مدینه همه جاها را درمی نوردد.
 إِنَّهُ يَدْخُلُ الْأَمْصَارَ كُلَّهَا إِلَّا طَيْبَةَ؛ (ترمذی، بی تا: ج ۴، ۵۲۱)
 دجال به همه شهرها وارد می شود به جز مدینه طیبه.

التویجری صاحب کتاب *تحاف الجماعة* در مورد استعاذه از شر دجال می نویسد:

ثبت في الأحاديث الصحاح من غير وجه أن رسول الله ﷺ كان يتعوذ من فتنة الدجال في الصلاة، وأنه أمر أمته بذلك أيضاً. (تویجری، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۲۲)

ابتعاد و دوری گزینی از دجال و فتنه گری او راه دیگر مبارزه با دجال است که در برخی روایات بدان اشاره شده است. نظیر قول پیامبر گرامی اسلام ﷺ که می فرماید:

مَنْ سَمِعَ بِالدَّجَالِ فَلْيَنْأَ عَنْهُ فَوَاللَّهِ إِنَّ الرَّجُلَ لِيَأْتِيَهُ وَهُوَ يَحْسِبُ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ فَيَتَّبِعُهُ مِمَّا يُبْعَثُ بِهِ مِنَ الشُّبُهَاتِ أَوْ لِمَا يُبْعَثُ بِهِ مِنَ الشُّبُهَاتِ؛ (ابی داود، بی تا: ج ۴، ۱۹۷)
 هر کس خروج دجال را شنید باید از او دوری گزیند. به خدا قسم فردی پیش دجال می آید و گمان می کند که او آدم مؤمنی است و به خاطر شبهه ناک بودن کار دجال و به خاطر مشتبه شدن امر بر او از دجال تبعیت می کند.

در نقل متشابه از *مسند احمد بن حنبل آمده است که پیامبر اسلام «فليناً عنه»* را سه بار تکرار کرد (ابن حنبل، بی تا: ج ۳۳، ۱۸۱).

از جمله راه های مبارزه و مقابله با دجال، چنگ زدن به قرآن است. در این زمینه نقل ها و عبارات های مختلفی در منابع حدیثی اهل سنت آمده و پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

من حفظ عشر آيات من أول سورة الكهف، عصم من الدجال. (ابی داود، بی تا: ج ۴، ۲۰۰)
 باز حضرت در نقل دیگری فرمود:

من قرأ عشر آيات من آخر الكهف، عصم من فتنة الدجال. (ابن حنبل، بی تا: ج ۶، ۴۴۶)

در نقل اول به حفظ ده آیه از سوره کهف و در نقل دوم به قرأت آن ها تأکید شده است. در روایت دیگری به نقل از ابی سعید خدری پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْكَهْفِ كَمَا أَنْزَلَتْ، كَانَتْ لَهُ نُورًا مِنْ مَقَامِهِ إِلَى مَكَّةَ، وَمَنْ قَرَأَ بِعَشْرِ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا فَخَرَجَ الدَّجَالُ لَمْ يُسَلِّطْ عَلَيْهِ؛ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۱، ۷۵۲)

هر کس سوره کهف را چنان که نازل شده تلاوت نماید، برای او از آن جایی که است تا مکه نوری ترسیم می شود. و هر کس ده آیه از آیات آخرین سوره را تلاوت کند، هنگام

خروج دجال، دجال براو مسلط نمی‌شود.

در کتاب *مرقاة المفاتیح* آمده است:

نقش سوره کهف در صیانت و حفاظت از شر دجال به خاطر نقل جریان اصحاب کهف در آن است که چطور آن‌ها توانستند خودشان را از فتنه و فتنه‌گری زمانه حفظ کنند و با ظالمان و ستمگران زمانشان به مبارزه برخیزند. به طور قطع وقتی مفهوم و محتوای آیات مورد نظر مورد توجه قرار گیرند و به پیام‌ها و نکات برآمده از آن‌ها دقت شود، می‌توان به راهکارهای مبارزه‌ای اصحاب کهف پی برد و همان راهکارها را در مبارزه و مقابله با دجال روز آمد کرد. (هروی قاری، ۱۴۲۲: ج ۴، ۱۴۶۵)

چنان که بیان شد، انتظار عالی (یعنی انتظار عملی) با دو رویکرد ایجابی و سلبی قابل تعریف و شناسایی است. رویکرد ایجابی با شاخصه‌هایی نظیر اصلاح و اصلاح‌گری، معرفت و معرفت‌بخشی، مسئولیت و مسئولیت‌پذیری، تبعیت و تبعیت‌پذیری و... که از نوع شاخصه مثبت و ایجابی است، جزو علل و عوامل مهم رخداد ظهور است که در واقع اهل سنت این شاخصه‌ها را در همراهی کردن با قیام رایات السود به منصفه عمل می‌رسانند. رویکرد سلبی که با شاخصه‌هایی نظیر مبارزه با ظالمان، مقابله با ستمگران و مواجهه با خوانین و طاغوتیان که در رأس آن‌ها دجال قرار دارد همراه است، علل و عوامل دیگری برای رخداد ظهور به شمار می‌روند. در واقع بروز این شاخصه‌ها که به نوعی شاخصه‌های سلبی و نفی است، در مبارزه کردن اهل سنت با دجال و فتنه‌های او به منصفه عمل می‌رسد. بنابراین فرایند این دو رویکرد که به نحوی توجیه‌گر انتظار عالی در میان اهل سنت است، به برابری چون آمادگی و زمینه‌سازی ظهور منتج می‌شود.

نتیجه‌گیری

روایات انتظار در منابع اهل سنت با دو رویکرد مطابقی و تضمینی قابل توجیه است. رویکرد مطابقی که با عنوان «تصریح انتظار در روایات انتظار» مطرح شده، بیشتر به روایات و احادیثی می‌پردازد که حاوی واژه ماده «انتظار» به صورت صریح است. نتیجه‌ای که از این رویکرد می‌توان گرفت، این است که اولاً، در منابع اهل سنت مجموع روایات انتظار با واژه انتظار در نگاه اول به تعداد پنج حدیث و در نگاه دوم و دقیق‌تر به تعداد دو حدیث تقلیل پیدا می‌کند. ثانیاً، همین روایات انتظار که تعداد آن‌ها محدود بوده و از عدد دو تجاوز نمی‌کند، با رویکرد انتظار عام توجیه می‌شوند. از این رو در منابع حدیثی اهل سنت درباره انتظار خاص (به

صورت تصریحی) هیچ روایات و احادیثی نقل نشده است. اما رویکرد تضمینی که با عنوان «تلویح الانتظار در روایات الانتظار» مطرح شده است، می‌توان انتظار خاص، آن هم انتظار خاص عملی - که انتظار عالی است - را در آن جست‌وجو کرد؛ زیرا در منابع حدیثی اهل سنت پیرامون انتظار خاص می‌توان به دو نوع روایات تمسک جست؛ نوع اول روایاتی هستند که به قیام‌های مثبت نظیر روایات ممه‌دون للمهدی، رایات السود، ظهور مجددین می‌پردازند و نوع دوم روایاتی هستند که به قیام‌های منفی نظیر دجال اشاره دارند.

رسالتی که اهل سنت نسبت به این نوع قیام‌ها دارند متفاوت است؛ زیرا در مورد قیام‌های مثبت که در واقع به قیام‌های زمینه‌ساز ظهور شهره هستند، وظیفه اهل سنت همراهی و تبعیت است، ولی در مورد قیام‌های منفی که در واقع برای ظهور مانعیت ایجاد می‌کنند، وظیفه آن‌ها مخالفت و مبارزه است. به طور کلی وظایف و رسالت اهل سنت که یکی در قالب همراهی و دیگری در قالب مبارزه توجیه می‌شوند، تداعی گرآمدگی اهل سنت و زمینه‌سازی آنان برای ظهور امام مهدی علیه السلام است که این نوع آمادگی و زمینه‌سازی همان انتظار خاص با شاخصه‌های عملی است.

منابع

- ابن ابی شیبہ، ابوبکر (بی تا)، *مسند ابن ابی شیبہ*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، *مسند ابن حنبل*، بیروت، دار صادر.
- ابن خزیمہ، محمد (۱۳۹۰ق)، *صحیح ابن خزیمہ*، بیروت، المكتبة الاسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۲ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالمعرفة.
- ابن قیم الجوزی، محمد (۱۴۱۶ق)، *مدارج السالکین*، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۰۹ق)، *سنن ابن ماجه*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶ق)، *لسان العرب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، مؤسسة التاریخ العربی.
- ابی داود، سلیمان بن اشعث (بی تا)، *سنن ابی داود*، بیروت، دارالکتب العربی.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمّة*، تبریز، بنی هاشمی.
- بیهقی، احمد (۱۴۱۰ق)، *شعب الایمان*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ دوم.
- _____ (بی تا)، *سنن الترمذی*، بیروت، دار احیا التراث العربی.
- تنوخی، عبدالله (۱۴۱۰ق)، *الفرج بعد الشدة*، بیروت، مؤسسة النعمان.
- تویجری، حمود (۱۴۱۴ق)، *اتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم*، ریاض، دارالصمیعی للنشر و التوزيع، چاپ دوم.
- جرجانی، عبدالله بن عدی (۱۴۰۹ق)، *الکامل*، تحقیق: حیدر مختار غزاوی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۳۶۳ش)، *تحف العقول*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *صراط النجاة*، تحقیق: میرزای تبریزی، قم، دار الصدیقة الشهیة.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴ش)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.

- ذهبى، محمد بن احمد (بى تا)، ميزان الاعتدال، بيروت، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزيع.
- سيوطى، جلال الدين (١٤٠١ق)، جامع الصغير، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- _____ (بى تا)، الدر المشور، بيروت، دار المعرفة للطباعة و النشر.
- صدوق، محمد بن على بن بابويه (١٣٩٥ق)، كمال الدين و تمام النعمة، تهران، اسلاميه، چاپ دوم.
- _____ (١٤٠٠ق)، امالى، بيروت، اعلمى، چاپ پنجم.
- طبرانى، سليمان بن احمد (١٤١٣ق)، الدعاء، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.
- _____ (١٤١٥ق)، المعجم الاوسط، بى جا، دار الحرمين للطباعة و النشر و التوزيع.
- قاضى تنوخى، على بن محمد بن داود (١٤١٠ق)، الفرج بعد الشدة، بيروت، مؤسسة النعمان.
- قضاعى، محمد بن سلامه (١٤٠٥ق)، مسند الشهاب، تحقيق: حمدى عبدالمجيد، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- _____ (بى تا)، دستور معالم الحكم، قم، مكتبة المفيد.
- متقى هندی، على بن حسام الدين (١٤٠٩ق)، كنز العمال، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- مجلسى، محمدباقر (بى تا)، بحار الانوار، تهران، اسلاميه.
- مغربى، نعمان بن محمد (١٤١٦ق)، شرح الاخبار، جامعه مدرسين، تحقيق: السيد محمد الحسينى الجلالى، قم.
- مقدسى، يوسف بن يحيى (١٣٩١ق)، عقد الدرر، قاهره، مكتبة عالم الفكر.
- مناوى، محمد بن عبدالرئوف (١٤١٥ق)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، تصحيح: احمد عبدالسلام، بيروت، دار الكتب العلمية.
- نسائى، احمد بن شعيب (١٤٠٦ق)، سنن النسائى، حلب، مكتب للمطبوعات الاسلامى، چاپ دوم.
- هروى قارى، نورالدين (١٤٢٢ق)، مرآة المفاتيح، بيروت، دارالفكر.
- هيثمى، احمد بن حجر (١٣٨٥ق)، الصواعق المحرقة، تحقيق: عبد الوهاب عبداللطيف، چاپ دوم، مصر، مكتبة القاهرة.
- _____ (١٤٠٨ق)، مجمع الزوائد، بيروت، دار الكتب العلمية.

